



واکاوی متنی پیوستگی و گسستگی موضوعی در کامنت‌های اینستاگرام

ثمینه رازقی^{*۱}

فرهاد ساسانی^۲

یحیی مدرس تهران^۳

چکیده

مکالمه با موضوع مشخصی آغاز می‌شود و شرکت‌کنندگان درگیر گفت‌وگو می‌شوند اما موضوعی که در پایان مکالمه به آن ختم می‌شود با موضوع ابتدایی فاصله دارد. این اتفاق در مکالمه‌های آنلاین که شرکت‌کنندگان با یکدیگر رودررو نیستند نیز دیده می‌شود. پژوهش‌هایی درباره بررسی ارتباط موضوعی و نیز رانش موضوعی گفت‌وگوها در فضای مجازی صورت گرفته و دسته‌بندی مشخصی نیز از دسته‌های موضوع‌های گفت‌وگو ارائه شده ولی بررسی کامنت‌ها در فضای مجازی اینستاگرام این نکته را روشن می‌کند که این دسته‌بندی نیاز به بررسی دقیق‌تر دارد. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از نظریه ارتباط موضوعی و تحلیل موضوعی گفتمان پویا دسته‌بندی جزئی‌تری نسبت به آنچه تاکنون تعریف شده است ارائه شود. هابز چهار دسته ارتباط موضوعی، موازنه معنایی، توضیح و فراسخن را پیشنهاد می‌دهد. هرینگ و نیکس گسست را نیز به آن می‌افزایند. در بررسی داده‌های پژوهش حاصل، دسته‌بندی‌های جزئی‌تری برای ارتباط موضوعی و گسست یافت شد.

کلیدواژه‌ها: ارتباط موضوعی، کامنت، اینستاگرام، گسستگی، پیوستگی

✉ samineh.razeqi@gmail.com

۱- دانشجوی دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهراء، تهران،

(نویسنده مسئول)

✉ fsasani@alzahra.ac.ir

۲- دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران

✉ ymodaressi@yahoo.com

۳- استاد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، تهران

۱- مقدمه

در هر مکالمه که در گفت‌وگوهای رودررو حول یک محور مشخص آغاز می‌شود، شرکت‌کنندگان با یکدیگر درگیر مکالمه می‌شوند ولی در پایان و با نگاهی به روند مکالمه که ممکن است کوتاه و یا بلند باشد می‌توان دید نقطه‌ای که مکالمه به آن ختم شده است با موضوع آغازین فاصله بسیاری دارد. هابز^۱ (۱۹۹۰) این پدیده را تحت عنوان رانش موضوعی (topic drift) بیان می‌کند و هر واحد تغییر از موضوع اصلی در مکالمه را یک گام (move) می‌داند. این تغییر موضوعی به تدریج اتفاق افتاده و شرکت‌کننده‌ها معمولاً از این اتفاق آگاه نیستند. اما این نکته حائز اهمیت است که هر بخش از مکالمه با بخش پیش و پس از خود مرتبط است و می‌توان انسجام و پیوستگی در آن‌ها یافت. هرینگ^۲ (۲۰۰۳) نیز بیان می‌کند مکالمه ایده‌آل آن مکالمه‌ای نیست که زنجیره نوبت‌ها در آن همه حول محور یک موضوع واحد باشند بلکه باید تعادل مطلوبی بین گام‌های مرتبط با موضوع و گام‌هایی که مکالمه را به سمت تازه‌ای سوق می‌دهند وجود داشته باشد.

مکالمه همیشه رودررو و به شکل معمول آن نیست. به‌ویژه در دنیای کنونی و با گسترش فناوری و ارتباطات مجازی، صورت‌های دیگر ارتباط نیز قابل مشاهده است که به افراد امکان برقراری ارتباط غیرفیزیکی و غیررودررو را می‌دهد. کانین^۳، آتس^۴، تانیس^۵ و بارنز^۶ (۲۰۱۰: ۳) می‌نویسند: «به واسطه فناوری‌های نوین بخصوص فناوری رایانه‌محور (computer-mediated communication) (مانند پیامک، چت‌گاه‌ها، ایمیل، وبلاگ، نرم‌افزار اجتماعی تلفن همراه) بخش عمده‌ای از ارتباطات بین‌فردی می‌تواند همزمان تسهیل‌کننده و یا مانع ارتباطات شده و در نتیجه باعث تغییر تعاملات بین‌فردی شود.»

تانن^۷ و ترستر^۸ (۱۹۹۹) و هرینگ (۱۹۹۰) بر این باورند که گسترش ارتباطات در فضای مجازی تا به امروز باعث به‌وجود آمدن بسترهای ارتباطی گسترده‌ای شده که بخش بزرگی از آن‌ها مبتنی بر زبان و به‌ویژه متن نوشتاری است. بنابراین در فضای مجازی، زبان نوشتاری واسطه انسان - انسان و همین‌طور انسان - رایانه است و بخش وسیعی از مطالب و مفاهیم موجود در آن گفتمان انسانی است که به کمک متن و در کنار آن صدا و همین‌طور تصاویر ثابت، متحرک و فیلم بازنمایانده می‌شود.

گریفین^۹ (۲۰۱۲) به دسته‌های ارتباط مستقیم، غیرمستقیم و نیز کلامی یا غیرکلامی اشاره می‌کند. ارتباط مستقیم آن است که افراد به‌صورت رودررو با یکدیگر در تعاملند در حالی که در ارتباط غیرمستقیم افراد ارتباط فیزیکی و رودررو ندارند. در ارتباط کلامی از زبان استفاده می‌شود ولی در ارتباط غیرکلامی از علائم، حرکات، زبان بدن و صورت‌های دیگر نشانه برای انتقال پیام بین مخاطب‌ها بهره می‌گیرند. امروزه، ارتباط نه تنها در

1. J. R. Hobbs

2. S. C. Herring

3. E. A. Konijn

4. S Utz

5. M. Tanis

8. S. B. Barnes

7. D. Tannen

11. A. M. Trester

12. E. Griffin

مکالمه مستقیم یا گفت‌وگو، بلکه از هر طریق ممکن انجام می‌پذیرد. یکی از راه‌هایی که امکان دستیابی به شیوه جدیدی از ارتباط و به اشتراک‌گذاری محتوا و نظرها در اینترنت را فراهم آورده و باعث برقراری ارتباط میان کاربران فضای مجازی شده است رسانه‌های اجتماعی (social media) است. این رسانه‌ها، امکان دستیابی به شیوه جدیدی از ارتباط و اشتراک‌گذاری محتوا و نظرها را در اینترنت فراهم آورده و باعث برقراری ارتباط میان کاربران فضای مجازی شده‌اند. رسانه‌های اجتماعی بر مبنای تشکلات اجتماعی فعالیت کرده و هر کدام بر اساس هدف‌ها، سلیقه‌ها و منافع کاربران خود، آنها را گرد هم می‌آورند. البته باید به این نکته اشاره کرد که نوع ارتباط در رسانه‌های اجتماعی مجازی از نوع غیرمستقیم است و در بسیاری مواقع، کاربران با یکدیگر رودررو نیستند.

اکنون در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی (social networks) مختلفی مانند فیسبوک، اینستاگرام، توئیتر و شبکه‌های دیگر وجود دارند که به کمک آنها افراد پیام ارسال کرده و دیدگاه‌های خود را بدون هیچ مانعی به اشتراک می‌گذارند و دیگران نیز می‌توانند آزادانه به این پیام‌ها و دیدگاه‌ها پاسخ دهند. بوید^۱ و الیسون^۲ (۲۰۰۷)، (به نقل از بارنز، ۲۰۰۹: ۷۳۵) اظهار می‌کنند: «ظهور شبکه‌های اجتماعی باعث تغییر در الگوی ارتباطات اینترنتی شده و نرم‌افزارها و برنامه‌های شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر روابط مستحکم‌تر، افراد را قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر می‌کند».

یکی از انواع شبکه‌های اجتماعی که در ایران کاربران زیادی دارد اینستاگرام است.^۳ این شبکه اجتماعی راه سریعی برای ثبت، اشتراک‌گذاری لحظه‌های زندگی و برقراری ارتباط کاربران با دوستان را از طریق عکس و فیلم فراهم می‌سازد و دربرگیرنده عکس و ویدئوهای کوتاهی از کاربران است و سایر کاربران نیز می‌توانند در مورد عکس‌ها و فیلم‌های ارسالی اظهار نظر کنند. تعامل در این رسانه در قالب نظر دادن یا کامنت‌گذاری اتفاق می‌افتد. نظرهای ارسالی کاربران در دسته‌بندی ارتباط کلامی نوشتاری از نوع غیرمستقیم است بدین معنا که کاربران به صورت همزمان با یکدیگر در تعامل نیستند گرچه در مواردی نیز برقراری ارتباط همزمان در این رسانه امکان می‌یابد. مارو^۴ (۲۰۰۶)، (به نقل از پلانسنسیا^۵ و لوور^۶، ۲۰۱۳) این تعامل را «ترکیبی از زبان گفتاری و نوشتاری» می‌داند که مانند دیگر محیط‌های آنلاین، در آن از زبان غیررسمی استفاده می‌شود. در فارسی، می‌توان گفت نوعی نوشتار گفتاری شکل گرفته، به گونه‌ای که برای نمونه تصریف فعل‌ها اغلب به صورت گفتاری یا آمیزه‌ای از صورت‌های گفتاری و نوشتاری انجام می‌گیرد. علاوه بر این، کاربران با هدف بازسازی ویژگی‌های فرازبانی تولید گفتار، از آنچه که یوس^۷ (۲۰۱۰) از آن به عنوان تغییر شکل متنی یاد می‌کند

1. D. M. Boyd

2. N. B. Ellison

۳. گرچه آمار رسمی از تعداد کاربران ایرانی اینستاگرام وجود ندارد، ولی تعداد دانلودهای این اپلیکیشن در کافه بازار ۱۶ میلیون است و با در نظر گرفتن دانلودهای گوگل پلی و آپ استور و دیگر بازارها می‌توان تخمین زد که اینستاگرام در ایران حدود ۲۰ میلیون کاربر دارد.

4. V. Morrow

5. M. E. Placencia

6. A. Lower

7. F. Yus

استفاده می‌کنند. بنابراین، اینستاگرام (به‌عنوان ابزاری برای بررسی نحوه به‌کارگیری زبان در شبکه‌های اجتماعی) از این نظر ارزش بررسی دارد که با استفاده از تغییر شکل‌های متنی به کاربران این امکان را می‌دهد تا به‌گونه‌ای مشابه‌تر با تعامل‌های رودررو، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این رسانه بخصوص به دلیل دسترسی آسان آن نسبت به سایر شبکه‌های اجتماعی با اقبال عمومی گسترده‌ای مواجه شده و دارای کاربران بسیاری است.

بر پایه گزارش پایگاه آمار اینترنت جهانی^۱ تا ماه مارس ۲۰۱۹ میلادی، جمعیت کاربران اینترنت در خاورمیانه در حدود ۱۷۴ میلیون نفر بوده که بیش از ۶۲٫۵ میلیون نفر از آنان را کاربران ایرانی تشکیل می‌دهند.^۲ آمار دیگری نیز نشانگر آن است تا پایان سال ۱۳۹۷ ایران با حدود ۲۴ میلیون نفر کاربر در اینستاگرام، رتبه هشتم استفاده از این شبکه اجتماعی را در دنیا دارد و کاربران اینترنت نیز در این سال بیش از ۵۶ میلیون نفر بوده‌اند.^۳ از آنجا که امروزه بخش مهمی از زندگی انسان‌ها در بسیاری از نقاط جهان در اینترنت و فضای سایبری (cyber Space) یا مجازی جریان دارد، و این فضا، به بخش جدانایی‌پذیری از زندگی آنها تبدیل شده، مطالعه جنبه‌های مختلف ساختاری و زبانی آن ضروری است.

۱-۱- پیکره، ابزار و روش پژوهش

در پژوهش کنونی تلاش می‌شود تا با استفاده از الگوی رانش موضوعی هابز (۱۹۹۰)، اثر هرینگ و نیکس^۴ (۱۹۹۷) و گفتمان‌کاوی موضوعی پویای (dynamic topic analysis) هرینگ (۲۰۰۳)، دسته‌بندی مشخصی از انواع کامنت‌های نوشته‌شده در اینستاگرام که بیشتر در دسته‌بندی نوشتاری (هوروویتز^۵ و ساموئل^۶، ۱۹۸۷؛ مینر^۷، ۱۹۹۴؛ کولوت^۸ و بلمور^۹، ۱۹۹۶؛ بیتس^{۱۰}، ۱۹۹۶؛ هرینگ، ۲۰۰۱) قرار می‌گیرد ارائه شود. بسیاری از پژوهشگران با بررسی گونه‌های ناهمزمان (asynchronous) به این نتیجه رسیده‌اند که داده‌های آنها صرف نظر از همزمانی یا ناهمزمانی ارتباط، ویژگی‌های محاوره‌ای دارد. نوآوری این پژوهش در این است که تاکنون رانش موضوعی بیشتر در گفت‌وگوهای رودررو (هابز، ۱۹۹۰؛ جفرسون، ۱۹۸۸؛ ساکز، ۱۹۹۲) و گفتمان‌کاوی موضوعی پویا در چت‌های همزمان بررسی شده و به باور بسیاری از پژوهشگران، نیاز به مطالعه در مورد انواع گونه‌های چت ناهمزمان حس می‌شود.

1. world internet stats

۲. برگرفته از وبگاه <http://www.internetworldstats.com> در تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸.

۳. برگرفته از وبگاه <https://www.yjc.ir/fa/news/> در تاریخ اسفند ماه ۱۳۹۷.

4. C. G. Nix
5. R. Horowitz
6. J. S. Samuel
7. N. Maynor
8. M. Collot
9. N. Belmore
10. S. J. Yates

پیش از ادامه بحث، لازم است به دو عبارت چت همزمان و ناهمزمان نیز اشاره شود. در ارتباط همزمان حضور هر دو طرف شرکت‌کننده در زمان تعامل الزامی است. لوید-ویلیامز^۱ (۲۰۰۷) بیان می‌کند در بیناکنش همزمان هر دو یا چند شرکت‌کننده در یک زمان و [معمولاً] یک مکان قرار دارند. ولی در فضای مجازی، ارتباط فیزیکی به صورت طبیعی وجود ندارد و در نتیجه در این رسانه، ارتباط به نوعی ناهمزمان است. کایسلر^۲، سیگلند^۳ و مک‌گوایر^۴ (۱۹۸۴) ارتباط ناهمزمان را نوعی ارتباط پیام‌مدار می‌دانند که در آن حضور همزمان شرکت‌کننده‌ها الزامی نیست و پیام‌ها به ترتیب اولویت زمانی معکوس تا هنگامی که مخاطب آنها را بخواند در محلی ذخیره می‌شوند.

داده‌های این پژوهش ۴۸۸۱ کامنت نوشته‌شده از ۲۱ دیوارنوشته (post) در یازده صفحه چهره‌های شاخص ورزشی، هنری، اجتماعی و دینی با موضوع‌های مربوط به چهار حادثه اجتماعی در بازه زمانی آبان ۱۳۹۶ تا شهریور ۱۳۹۷ (زلزله کرمانشاه، آتش‌سوزی کشتی سانچی، سقوط هواپیمای آسمان مسیر تهران - یاسوج و حادثه تروریستی اهواز) است.

۲- پیشینه پژوهش

هرینگ و نیکس (۱۹۹۷) به بررسی تغییر موضوع در گفت‌وگوهای آنلاین پرداختند و به دنبال این موضوع بودند که آیا نرم‌افزارهای چت محدودیت‌هایی برای انسجام ایجاد می‌کند یا خیر. آن‌ها با استفاده از الگوی هابز (۱۹۹۰) به بررسی دو اتاق چت‌گاه اجتماعی و آموزشی پرداختند. یافته‌های آن‌ها بیانگر این موضوع بود که چت آموزشی متمرکزتر بوده و تغییرات موضوعی کمتری در آن وجود دارد.

وگر^۵ و آخوس^۶ (۲۰۰۳) بر این باورند که بحث در چت‌گاه محدودیت‌های تکنولوژیکی دارد زیرا چت تقریباً همزمان جریان دارد ولی نوبت‌گیری و گفت‌گو به شکل ایده‌آل به راحتی امکان‌پذیر نیست زیرا پیام‌ها کوتاه‌اند و این باعث می‌شود مکالمه‌ها زیاد گسترده نشوند. آنها معتقدند گفت‌وگو انسجام کلی ندارد زیرا چندین شرکت‌کننده همزمان در حال صحبت‌اند و این باعث تداخل دو یا چند موضوع مکالمه جدای از هم می‌شود. برای نمونه، اگر کسی مکالمه را از ابتدا دنبال کند، نخستین پیام ممکن است در مورد علاقه فردی به سگ‌ها باشد، پس از او فرد دیگری نیز علاقه خود به سگ‌ها را بیان کند، ولی بلافاصله ممکن است شخصی در مورد یک مشکل رایانه‌ای بپرسد و در پایان کاربر دیگری از علاقه‌ی خود به یک ورزش خاص صحبت کند. چنین تعاملی پیوسته و منسجم نیست (یعنی پیام‌های مرتبط در صفحه نمایش در کنار یکدیگر نیستند)، زیرا همان‌گونه که هرینگ (۱۹۹۹) می‌گوید آن‌چه نوبت‌گیری در محیط چت را تعریف می‌کند، فناوری است.

1. A. J. F. Lloyd-Williams
2. S. Kiesler
3. J. Siegeland
3. T. W. McGuire
5. H. J. Weger
6. M. Aakhus

استرامرگالی^۱ و مارتینسون^۲ (۲۰۰۹) با گفتمان کاوی و کدبندی رانش موضوعی، به بررسی دو ساعت چت با موضوع‌های سیاسی، مسابقات اتموبیلرانی، سرگرمی و انجمن‌های حمایت از سرطان پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که موضوع می‌تواند بر روی یکپارچگی چت تأثیر بگذارد؛ برای نمونه، بحث در اتاق‌های گفت‌وگوی سیاسی منسجم‌تر از اتاق‌های دیگر است. این پژوهش نشان می‌دهد کاربران می‌توانند تعامل نسبتاً یکپارچه‌ای در بحث سیاسی برقرار کنند و این موضوع را پیشنهاد می‌دهد که ماهیت کانال ارتباطی چت تا حدود بسیاری نمی‌تواند مانعی برای یکپارچگی گفتمانی باشد.

لامپیز^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ی یک مبحث اینترنتی درباره‌ی بمب‌گذاری سال ۱۹۹۵ در اوکلاهوما، به این نتیجه رسید که در ۹ روز نخست درصد پیام‌های ارسال شده با موضوع اصلی از ۶۵٪ به ۳۳٪ کاهش یافت و تقریباً با گذشت یک ماه به‌طور کامل فروکش کرد. یکی از دلایلی که او بر می‌شمارد اختلاف نظر در مورد موضوع و ناتوانمندی در مدیریت آن بوده است. در مطالعه‌ی هرینگ بر روی ۳ گروه گفت‌وگوی ناهمزمان نیز گرایش در تغییر موضوع کلی به موضوع‌های جزئی‌تر دیده شده است.

پارک و همکاران^۴ (۲۰۱۶)، به بررسی رانش موضوعی در گروه‌های سلامت و بهداشت آنلاین و نیز ارزیابی روشی خودکار برای شناسایی رانش موضوعی و تلاش کاربران برای جلوگیری از این اتفاق پرداختند. آنها برای این منظور، به بررسی ۷۲۱ دیوانوشته از ۱۴۸ رشته‌ی موضوعی از ۷ جامعه‌ی آنلاین در وبمد (Web Med) پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن بود که در این جوامع، تغییر موضوع به تدریج اتفاق می‌افتد ولی معمولاً با وجود ایجاد تغییر، موضوع‌ها در چارچوب قالب کلی موضوع اصلی قرار گرفته و از آن تعدی نمی‌شود.

۳- چارچوب نظری پژوهش

همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، در این پژوهش از الگوی رانش موضوعی هابز، دسته‌بندی جامع‌تر هرینگ و نیکس از آن و گفتمان کاوی موضوعی پویای هرینگ استفاده شده است. به باور هابز (۱۹۹۰)، هر واحد از گفت‌وگو یا مکالمه با آن‌چه در پیش و یا پس از آن می‌آید مرتبط است با این وجود فاصله‌ی بسیاری میان موضوع آغازین گفت‌وگو و موضوع پایان قابل مشاهده است. او این پدیده را رانش موضوعی می‌نامد. رانش موضوعی به وسیله‌ی تغییرات جزئی در موضوع اتفاق می‌افتد. بنا به تعریف هابز، ابزار بررسی رانش موضوعی در گزاره‌های موجود در یک مکالمه در چهار دسته‌ی ارتباط موضوعی (on-topic)، موازنه معنایی (semantic parallelism)، توضیح (explanation)، فراسخن (meta talk) قرار می‌گیرند.

1. J. Stromer-Galley

2. A. M. Martinson

3 J. J. Lambaise

4 A. Park et al.

هرینگ و نیکس (۱۹۹۷) همان دسته‌بندی هابز را ارائه می‌دهند با این تفاوت که گسست (break) را نیز به آن می‌افزایند. آنها تغییر موازی را «گام‌هایی شامل معرفی عنصرهای (entity) مختلف با ویژگی‌های مشابهی که بیشتر ذکر شده و یا سایر ویژگی‌های یکسان آن عنصر» می‌دانند. توضیح عبارت است از «گسترش تازه‌ترین موضوع [در میان موضوع‌های مطرح‌شده پیشین] که پیش فرضی را توضیح می‌دهد». فراسخن گفتار را سازمان‌دهی کرده و گسست تغییری کلی در موضوع ایجاد می‌کند.

هرینگ (۲۰۰۳) موضوع مرتبط را جزئی می‌داند که همان موضوع آغازین را بازگو کند و می‌تواند توافق (agreement)، واکنش (reaction)، دگرگفت (paraphrasing) و پرسش‌های استفهامی (clarification questions) باشد. موازنه معنایی آن هنگام دیده می‌شود که دو بخش یا جزء درباره گزاره‌هایی است که از آنها وجود ویژگی‌های یکسان برای عنصرهای یکسان استنباط شود. دو عنصر در صورتی که ویژگی‌های مرتبط یا مشترک داشته باشند یکسانند. گاهی نیز با بیان دو جزء، ویژگی‌های مشترکی برای ماهیت‌های یکسان استنباط می‌شود. در این صورت می‌توان گفت اگر دو ویژگی به ویژگی‌های مرتبط، کلی‌تر و یکسان اشاره کنند با یکدیگر مشابهند. با توجه به دانش پیش‌زمینه‌ای مناسب، یک بخش در صورتی که علت یا دلیل موقعیتی در بخش پیش از خود باشد، به‌عنوان توضیحی برای آن بخش پیشین می‌آید. فراسخن نظری در مورد خود گفت‌وگو یا ساختار آن می‌دهد. گسست‌ها نیز شامل گزاره‌هایی است که نمی‌توان با استنباط منطقی آنها را به موضوع‌های پیشین مرتبط کرد.

۴- بررسی گسست و پیوست موضوعی کامنت‌های اینستاگرام

در این قسمت برخی از نمونه‌هایی که برای دسته‌بندی کامنت‌ها یافت شد توصیف می‌شود. در نخستین دیوارنوشته، به‌صورت غیرمستقیم به غرق شدن کشتی سانچی اشاره شده و همراه با متن عکس پرنده‌ای که از آتش برخاسته نیز آورده شده است:



"نفرین به آتش دی...."

۱. همیشه دست از نفرین برداریم!! چقدر واژه‌ها مون نفرت و نفرین توش هست...
کامنت اول به متن و کلمه نفرین در آن پرداخته و کاربر مخالفت خود را با استفاده از این واژه بیان کرده است. این نمونه در دسته «مخالفت» قرار می‌گیرد.

۲. آیا خاکستر این آتش ققنوسی خواهد داشت؟

کامنت بالا نیز تا حدودی هم به متن باز می‌گردد و هم به عکس. قاعدتاً هر آتشی خاکستری از خود بر جای می‌گذارد و عکس پرنده در تصویر نیز ققنوس را در ذهن متبادر می‌کند. ارسال‌کننده دیوارنویشته رابطه میان این دو موضوع را در قالب «پرسش استفهامی» بیان است.

۳. این حاصل انرژی منفی جمع‌شده است قانون طبیعت

در کامنت بعدی، کاربر دلیل اتفاق این حادثه را نیروهای منفی جمع‌شده دانسته و در واقع برای این حادثه علتی بیان می‌کند. هرگاه دو گزاره داشته باشیم که دومی دلیلی بر گزاره نخست باشد رابطه «توضیح» میان آن‌ها برقرار است.

۴. به تماشای تن سوخته‌ات آمده‌ام. مرگ من باد که اینگونه توانیست مرا

کامنت بالا، اشاره به سوخته‌شدن ملوانان حاضر در کشتی داشته و در واقع همان موضوع و گزاره را به صورت کلی‌تر بیان می‌کند و در دسته «تغییر موازی» قرار می‌گیرد.

۵. بچه‌ها همراه اول داره شارژ هزارتومانی مجانی می‌ده باید ۱ رو بزیند به ۳۰۵۰۵۸ تا شارژو

بگیرد.

این دیوارنویشته نیز در جریان بحث حساس موجود در صفحه ارسال شده و تبلیغی برای یک کالای مشخص است و از آن‌جا که هیچ رابطه منطقی میان دیوارنویشته ابتدایی و این کامنت وجود ندارد، «گسست» به حساب می‌آید.



۶. چقدر منتظر پستتون بودم

آخرین کامنت مرتبط با این دیوارنویشته نیز به صورت کلی اشاره به خود متن و انتظار مخاطب در ارسال دیوارنویشته بوده و اشاره‌ای به محتوای متن ندارد و در دسته «فراسخن» قرار می‌گیرد.

دیوارنویشته ارسالی بعد به ماجرای حمله تروریستی اهواز می‌پردازد. تصویر همراه با متن نیز از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول تصویر یکی از شهیدان حادثه آن روز در آغوش یکی از نیروهای نظامی و بخش دوم با شباهت بسیار در حالت‌ها، تصویری از بخشی از فیلمی مرتبط با حمله عراق به ایران در سال ۱۳۵۸؛ البته در صفحه اصلی عکس احتمالاً به علت دلخراش بودن از طرف اینستاگرام فیلتر شده بود.



"اهواز"

در

سالگرد آغاز جنگ تحمیلی...

و من فکر میکنم که هنوز و تا همیشه؛ "دفاع مقدس" ما از ایران، ادامه دارد...
 نفرین به کینه و خشم و بغض مزخرفتان که پیر و جوان و کودک و هموطن و همنفس نمیشناسد...
 لعنت به ترورهای کور شما...
 و تسلیت به اهواز همیشه صبور ایران... تسلیت به ایران #مژده_لواسانی
 تکمله:

فردا اول مهر است...

#اهواز#حملة_تروریستی_اهواز#ترور#لعنت_به_تروربسم#

#ترور_محکوم_است#ماجرای_نیمروز_اهواز#آخرین_روز_تابستان#تسلیت"



۷. فردا قرار بود بره مدرسه حالا دیگه رفت بهشت

یکی از کامنت‌های ارسالی به تصویر پسر بچه در آغوش نیروی نظامی اشاره کرده و ناراحتی خود از کشته‌شدن او و احتمالاً از کل رخداد را در قالب استفاده از شکلک بیان کرده است.

۸. دفاع همچنان باقیست #هستیم_بر_آن_عهد_که_بستم

در کامنت بالا، موضوعی را با استفاده از هشتگ (hashtag) که در تلگرام نشان‌دهندهٔ به‌راه‌اندازی جنبش و یا گرایش خاصی میان تعدادی از کاربران است بیان می‌کند. مضمون این موضوع نه تنها به حادثهٔ اخیر که به دفاع مقدس و همین‌طور آرمان‌های انقلابی هم اشاره دارد. پس در واقع موضوعی کلی‌تر را که شاید این حادثه نشان‌دهنده یا ادامه‌دهندهٔ آن است بیان می‌کند.

۹. منو به غلامی قبول کن

در این کامنت، کاربر بدون توجه به بحث مورد گفت‌وگو و احتمالاً برای مزاح و مزه‌پراکنی از نویسندهٔ دیوارنوشته نخستین خواستگاری کرده است. با توجه به این‌که رابطهٔ منطقی میان گزاره‌ها مشاهده نمی‌شود، این کامنت از نوع «گسست» است.

۱۰. باز هم و باز هم و باز هم مردم خونگرم و دلچسب اهواز پیش مرگ شدن.... باز هم این



زیبامردمان کشورم مظلوم واقع شدن و با خون خودشون زمین رو رنگین کردن

کامنت بالا نیز به نوعی همان موضوع دیوارنوشته ارسال شده را به زبان دیگری بیان می‌کند و در واقع نوعی «دگرگفت» شمرده می‌شود که در دسته‌بندی هرینگ از انواع موضوع‌های مرتبط، یکی از آن‌ها بود. این کامنت در دستهٔ «ارتباط موضوعی» قرار می‌گیرد.

۱۱. کپشن عالی

آخرین کامنت مورد بررسی نیز به کل کپشن (caption) یا به اصطلاح متنی که در زیر عکس می‌آید اشاره می‌کند و با توجه به این که اشاره‌ای به محتوای دیوارنوشته ندارد در رده «فراسخن» قرار می‌گیرد.

12. @zahra_ghasemi_72

در این کامنت نیز می‌بینیم که یک کاربر، نام کاربر دیگری را ذکر کرده است. این عمل در اینستاگرام به کاربر دوم این امکان را می‌دهد که از طریق کاربر نخست به دیوارنوشته مورد نظر دسترسی پیدا کند. در بررسی انواع دسته‌ها با این تعریف که نمی‌توان گزاره پیشینی در متن برای این کامنت پیدا کرد آن را نیز در دسته «گسست» قرار می‌دهیم.

سومین دیوارنوشته مربوط به حادثه سقوط هواپیمای مسافربری یاسوج است و تصویر ارسال شده با آن، تصویری از هواپیمایی است که در آسمان و از میان ابرها گذر می‌کند. در زیر تصویر نیز اسم مقصد هواپیما به لاتین نوشته شده است.



"حادثه"

تلخ امروز را به هموطنان عزیز تسلیت می‌گوییم و برای بازماندگان این حادثه آرزوی صبر و سلامتی داریم.
روحشان شاد و یادشان گرامی"

۱۳. تا وقتی تو جهل و نادانی باشی و برای نصف دنیا مرگ بخواهیم، باز هم بلا و مصیبت سر ما میاد.

در این کامنت، کاربر نه تنها علت این حادثه بلکه هر حادثه دیگر را بعضی شعارهای سیاسی می‌داند که از نظر او نتیجه و پیامد آن به ما و جامعه ما باز می‌گردد و در واقع نوعی «رابطه علت و معلولی» را بیان می‌کند. ۱۴. نهایت اصل موضوع که بیان نخواهد شد ولی جسارتاً عکس مال هواپیمای موتور جت هست

نه ATR!

در کامنت بالا کاربر شک و مخالفت خود را با موضوعی که در دیوارنوشته آمده بیان می‌کند و در کنار آن نکته کوچکی نیز در مورد عکس می‌نویسد که در آن نیز نوعی مخالفت دیده می‌شود. در دسته‌بندی هرینگ از انواع گزاره‌های مرتبط با موضوع، یکی از آن‌ها بیان «مخالفت یا موافقت» است. پس این کامنت هم با متن اصلی و هم به عکس ارسال شده با آن مرتبط است.

۱۵. والا ما ملت ایران گناه داریم ... ایقدر سیاه پوشیدیم ...

در این کامنت کاربر موضوعی را بیان می‌کند که دارای گزاره‌ای مشابه با موضوع دیوارنوشته ارسال شده است. مواردی چون حادثه ناگوار، عزاداری، سیاه‌پوش شدن و... از گزاره‌هایی است که هم در دیوارنوشته و هم در کامنت به صورت مشترک قابل استنباط است و در دسته «ارتباط موضوعی» قرار می‌گیرد.

۱۶. تسلیم به هموطنانم

در این کامنت کاربر همدلی خود را با این حادثه در قالب تسلیم بیان کرده و در واقع زنجیره آغاز (دیوارنوشته) و دنباله (کامنت) برقرار شده می‌شود. این کامنت در دسته «ارتباط موضوعی» قرار می‌گیرد.

۱۷. کسب درآمد ایده‌آل نودینو کسب و کاری پربازده درآمدی پایدار و مادام‌العمر با نازلترین سرمایه دارای نماد اعتماد الکترونیکی وزارت صنعت معدن تجارت. کد معرف برای ثبت نام شما: ۲۴۳۸۵۴ پشتیبان:

nodino.ir B: آدرس سایت @nodino_re2211@nodiinoo_rezakariiii_noo

در دیوارنوشته بالا، تبلیغی در مورد موضوع دیگری غیر از بحث اصلی کاربران دیده می‌شود که در دسته‌بندی «گسست» قرار می‌گیرد.

۱۸. من عاشق کارتونم استاد پرویز پرستویی. کارایی چون لیلی با من است. مومیایی. بادیگارد و خیلی کارا دیگتون اهان آژانس شیشه‌ای واقعاً این کارتون از همه عالی تر بود همه کارتون عالین. کامنت بالا نیز نوع دیگری از انواع گسست‌هاست چراکه هیچ گزاره‌ای در متن یافت نمی‌شود که بتوان با آن مرتبط دانست. اما تفاوت این نوع گسست با مثال (۵) در این است که در این کامنت به موضوع‌های دیگری که مرتبط با نویسنده دیوارنوشته و فعالیت‌های اوست اشاره شده است.

در آخرین دیوارنوشته که نمونه‌هایی از کامنت‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، نویسنده ناراحتی خود در مورد زلزله کرمانشاه بیان می‌کند. این دیوارنوشته از معدود دیوارنوشته‌های صفحه‌های ایرانی نیز هست که اشاره‌ای به محل دیگری در نزدیکی محل حادثه که البته در آن سوی مرزهای ایران است می‌کند. نویسنده همدلی خود را برای افراد حادثه‌دیده چه هم‌میهنان و چه دیگر افراد ابراز کرده و مردم را به کمک به هم‌نوعان و نه تنها هموطنان دعوت می‌کند.



"زلزله دردآور دیشب دوباره یادم انداخت که هر لحظه ممکن است پایان زندگی‌ام باشد. این هشدارها باعث شده همیشه فکر کنم امروز، روز آخر عمرم است زمین لرزه به سرعت و بی‌هیچ هشدار می‌آید و مردمان زیادی جانشان را در لحظه‌ای از دست می‌دهند. این اتفاقات باعث می‌شود ما و دیگران همدیگر را دوست داشته باشیم. برای رفتگان آرزوی آرامش و رحمت خدا را دارم و به بازماندگان عمیقاً ابراز همدردی کرده و تسلیت می‌گویم. تمام فکر و دعایم با مردم زلزله‌زده است. لازم است هر کاری که می‌توانیم برای کمک به هم‌نوعانمان در ایران و عراق انجام دهیم" 😊

۱۹. انشاله سر هیچکس نیاد. واقعاً سخته. در ی لحظه ادم همه زندگیشو از دست بده در کامنت نخست، کاربر همدردی خود را با حادثه دیدگان بیان می‌کند. گزاره‌ای که از این کامنت استنباط می‌شود با گزاره استنباط شده از دیوارنوشته اصلی یکسان است ولی در بیان آن از واژه‌های دیگری استفاده شده است. می‌توان این نمونه را بر پایه دسته‌بندی هرینگ (۲۰۰۳)، «دگرگفت» زیرمجموعه گزاره‌های مرتبط با موضوع دانست.

۲۰. از ماست که بر ماست!! کاش همه ما یاد می‌گرفتیم بجای حرف و شعار بیجا یکم عمل داشته باشیم!

در کامنت بالا، کاربر ریشه و علت همه وقایعی که رخ می‌دهد را بیان می‌کند. در این جا شاهد بیان نوعی «رابطه علت و معلولی» هستیم. افزون بر آن، کاربر آرزوی کلی خود را برای همه رخدادهایی از این دست بیان می‌کند.

۲۱. خدایا هر کار می‌خواهی بکن مادرای سرزمینم رو عزادار و غمگین نکن. در این دیوارنوشته ارسالی، به‌طور غیرمستقیم مفاهیمی چون داغ، داغدار شدن و داغدار بودن، درگیری افراد زیادی در حادثه و... مشاهده می‌شود. در این کامنت نیز کاربر به یکی از این موضوع‌ها، داغداری اعضای خانواده حادثه‌دیدگان اشاره می‌کند. در واقع در این دو نمونه، دو گزاره مشابه داریم که موضوع‌های مشابه از آن‌ها استنباط می‌شود و طبق دسته‌بندی هابز (۱۹۹۰) در رده «تغییر موازی» قرار می‌گیرد.

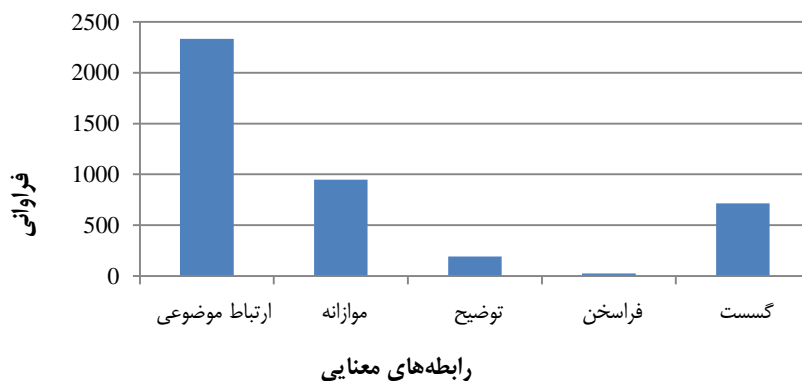
۲۲. شمائی که این همه صبور هستید و طاقت شنیدن حتی حرف‌های رشت و رکیک را داشتید پس خواهش می‌کنم کامنت دو تا پست بعدی را باز کنید تا مردم حرف دلشان را بزنند. در این دیوارنوشته، کاربر بدون در نظر گرفتن محتوای دیوارنوشته ارسال شده، به این موضوع اشاره می‌کند که لازمه دیوارنویسی، این است که سایرین هم بتوانند در مورد آن‌ها اظهار نظر کنند و از صاحب صفحه مورد نظر تقاضا می‌کند که این امکان را (باز یا بسته گذاشتن امکان نظردهی کاربران) که یکی از ویژگی‌های انتخابی اینستاگرام است به هواداران و فالوئرهای بدهد. از آن‌جا که این کامنت به کامنت گذاشتن و دیوارنوشته اشاره دارد آن را در دسته «فراسخن» قرار می‌دهیم.

۵- یافته‌ها

از مجموع کل ۴۸۸۱ کامنت بررسی شده، تعداد ۴۰۵۱ (۸۳٪) کامنت در جواب به دیوارنوشته‌ی اصلی بودند و در پژوهش حاضر تنها این موارد بررسی شدند گرچه تعداد دیگری از کامنت‌ها نیز دیده شدند که در میان این کامنت‌ها زنجیره‌های شبه‌محاوره‌ای تشکیل می‌دادند که گاهی به‌هیچ‌عنوان با موضوع اصلی در ارتباط نبودند. فراوانی کامنت‌های بررسی شده که پیش‌تر در مورد معیار گزینش آن‌ها توضیح داده شد و طبقه‌بندی‌شان در پنج دسته یادشده در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: فراوانی و درصد کامنت‌های بررسی شده

رابطه معنایی	فراوانی	درصد
ارتباط موضوعی (T)	۲۳۳۵	۵۷,۶٪
موازانه (P)	۹۴۹	۲۳,۴٪
توضیح (E)	۱۹۲	۴,۷٪
فراسخن (M)	۲۵	۰,۶٪
گسست (B)	۷۱۴	۱۷,۶٪
مجموع E و P, T	۳۴۷۶	۸۵,۸٪



نمودار ۱: فراوانی رابطه‌های معنایی

نمودار ۱ میزان فراوانی هر کدام از دسته‌های اشاره‌شده را به تصویر می‌کشد. همان‌طور که در این‌جا دیده می‌شود، ارتباط موضوعی دارای بیشترین فراوانی و پس از آن موازنه‌ی معنایی و گسست قرار دارد. توضیح در رتبه‌ی چهارم و فراسخن با کمترین میزان فراوانی در رتبه‌ی آخر قرار دارد.

۵-۱- دسته‌بندی انواع کامنت‌ها

با بررسی کامنت‌های جمع‌آوری شده، دسته‌بندی تازه‌ای برای آن‌ها صورت گرفت که تا حدودی با دسته‌بندی هابز (۱۹۹۰) و هرینگ و نیکس (۱۹۹۷) همپوشانی دارد. در زیر انواع مختلف دسته کامنت‌ها معرفی می‌شود.

۱. دسته نخست کامنت‌هایی است که با دیوارنوشته اصلی ارتباط موضوعی دارد. این ارتباط یا با نوشته بود (کامنت‌های ۱، ۱۰، ۱۶ و ۱۹)، یا عکس (کامنت ۷) و یا هر دو (کامنت‌های ۲ و ۱۴). در دسته‌بندی هابز، فقط از اصطلاح ارتباط با موضوع یاد شده ولی در اینجا می‌بینیم که خود این ارتباط به سه دسته کوچک‌تر تقسیم می‌شود. این را می‌توان به دلیل نوع ماهیت ارتباط در اینستاگرام دانست.

۲. دسته دوم کامنت‌هایی است که تا حدودی مرتبط با موضوع دیوارنوشته است. در این دسته، کامنت‌گذاران معمولاً همان موضوع کلی را به‌گونه‌ای دیگر بیان می‌کنند و یا درباره یک موضوع کلی‌تر یا جزئی‌تر مرتبط با همان موضوع اصلی را می‌نویسند. هابز (۱۹۹۰) این نوع گزاره‌ها را به دو دسته موازانه (کامنت‌های ۴، ۸ و ۲۱) و توضیح (کامنت‌های ۳، ۱۳، ۱۵ و ۲۰) تقسیم می‌کند که پیش از این در مورد آن‌ها به تفصیل توضیح داده شد. هرینگ (۲۰۰۵) تغییر موازی و توضیح را عموماً بیان‌کننده اطلاعات نویی می‌داند. در نتیجه بر این باور است که می‌تواند باعث تغییر موضوع شود. این تغییر می‌تواند اندک یا گسترده باشد.

۳. دسته سوم کامنت‌هایی هستند که پیرامون خود دیوارنوشته هستند و کامنت‌گذاران معمولاً به خود عمل دیوارنویسی واکنش نشان می‌دهند (کامنت ۲۲).

۴. دسته پایانی کامنت‌هایی است که کاملاً نامرتب با موضوع دیوارنوشته است. هرینگ و نیکس (۱۹۹۷) این دسته از گام‌ها را در قالب کلی گسست می‌آورند. ولی در بررسی کامنت‌های اینستاگرام، ذیل این دسته‌بندی کلی، سه مقوله جزئی‌تر مشاهده شد. یکی «تبلیغ»‌های نامرتب است در میان بحث در جریان است. به خاطر ماهیت و موقعیت حساس بحث که حضور این تبلیغ‌ها گسستی در زنجیره ایجاد می‌کند، آنها را انگل نامیده می‌نامیم. این دسته یا دربرگیرنده تبلیغ محصولات، مؤسسه‌ها و مانند آنهاست یا تبلیغی برای دنبال کردن دیگر صفحه‌های اینستاگرامی (کامنت‌های ۵، ۹ و ۱۷). دسته دوم کامنت‌هایی است که در اشاره به موضوع دیگری غیر از دیوارنوشته مورد نظر آمده و به نوعی اشاره به بیرون یا جای دیگری دارد. این دسته را ارجاع متقابل نامیده‌ایم (کامنت ۱۸). آخرین دسته از انواع گسست‌ها مواردی است مانند تگ کردن کاربر یا موضوعی با استفاده از نشانه # و یا ذکر کاربری با استفاده از نشانه @. در اینجا از اصطلاح بازنشر برای این دسته بهره جسته‌ایم (کامنت ۱۲).

۶- نتیجه‌گیری

تغییر موضوع گفت‌وگو، چه در حالت رودررو چه در گفت‌وگوهای آنلاین همزمان و ناهمزمان، ناگزیر است به‌ویژه در گفت‌وگوهای آنلاین و بخصوص در روش ناهمزمان زیرا افراد مشخصی حضور دائمی ندارند تا بتوانند سمت‌وسوی گفت‌وگو را هدایت کنند. در اکثر موارد دیده می‌شود که پراکندگی مطالب از موضوع آغازین با

فاصله‌های زمانی مختلف، که بسته به نوع رسانه از چند دقیقه تا چند روز و هفته متفاوت است، اتفاق می‌افتد؛ پیش‌بینی سوی این تغییرات عملاً ممکن نیست.

در پژوهش حاضر سعی بر آن شد تا با استفاده از چارچوب رانش موضوعی و تحلیل گفتمان موضوعی پویا به بررسی کامنت‌های ارسال شده در تعدادی از صفحه‌های اینستاگرام پرداخته شود. نتایج حاصل از شمارش فاصله‌های موضوعی هر کامنت بیان می‌کند کاربران معمولاً یا تلاش در وفاداری به موضوع اصلی دارند (۵۷٫۶٪) و یا در صورت تغییر، این تغییر یا موازنه، ۲۳٫۴٪ است و یا توضیح ۴٫۷٪. در میان کامنت‌های بررسی شده، پس از ارتباط موضوعی با دیوارنوشته اصلی، موازنه‌ی معنایی بیشترین فراوانی را دارد (۲۳٫۴٪) و گسست نیز با فراوانی ۱۷٫۶٪ در رتبه‌ی سوم است، مجموع ارتباط موضوعی، موازنه و توضیح برابر با ۸۵٫۸٪ است که می‌تواند تأییدی باشد بر این که کاربران تا حد امکان برای حفظ موضوع تلاش می‌کنند یا تغییر اندکی را ایجاد می‌کنند. افزون بر این، با مطالعه کامنت‌ها و دسته‌بندی آن‌ها با کمک الگوهای هابز (۱۹۹۰)، هرینگ و نیکس (۱۹۹۷) و هرینگ (۲۰۰۳)، مشاهده شد این دسته‌بندی نیاز به بازبینی دقیق‌تری دارد چراکه می‌توان در هر کدام از آن‌ها دسته‌های جزئی‌تری معرفی کرد. دسته‌های کوچک‌تری که در این پژوهش یافت شد عبارتند از ارتباط با عکس، ارتباط با متن و ارتباط با عکس و متن (در ارتباط موضوعی) و گسست انگلی، گسست ارجاعی و گسست بازنشری (در گسست).

منابع

- ساسانی، فرهاد و یزدانی، نسترن (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر چینش سازه‌های متن بر کنش کلامی کلان در گفت‌وگوهای روزمره»، مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی زبان‌شناسی و مطالعات بینارشته‌ای، تهران، دانشگاه الزهراء، مطالعات اجتماعی و فرهنگی زبان، نشر نویسه پارس.
- Barnes, S. B. (2009), "Relationship Networking: Society and Education". *Journal of Computer-Mediated Communication*, 735- 742.
- Boyd, D. M., Ellison, N. B. (2007), "Social network sites: Definition, history and scholarship". *Journal of Computer-Mediated Communication*. 13(1).
- Collot, M., Belmore, N. (1996), "Electronic Language: A new variety of English". In S. C. Herring (Ed.), 13-28.
- Griffin, E. (2012), *A First Look at Communication Theory: eight edition*. New York: McGraw-Hill.
- Herring, S. C. (1999), "Interactional Coherence in CMC". *Journal of Computer-Mediated Communication*. 4(4), available online at: [http://jcmc.indiana.edu/vol4/issue4/herring.html]
- Herring, S. C. (2001), "Computer-mediated Discourse". In D. Schiffrin, D. Tannen and H. Hamilton (eds). *The Handbook of Discourse Analysis*. pp. 612-34. Oxford: Blackwell.
- Herring, S. C. (2003), "Dynamic Topic Analysis of Synchronous Chat". *Symposium on New Research for New Media*.

- Herring, S. C. and Nix, C. G. (1997), “Is “Serious Chat” an Oxymoron? Pedagogical vs. Social Use of Internet Relay Chat”. Paper presented at the *American Association of Applied Linguistics*. Orlando, FL.
- Hobbs, J. (1990), “Topic drift”. In B. Doval (ed.), *Conversational organization and its development*, 3-22. Norwood, NJ: Ablex
- Horowitz, R., Samuels, J. S. (1987), “Comprehending oral and written language: Critical contrasts for literacy and schooling”. In R. Horowitz & J.S. Samuels (Eds.), *Comprehending oral and written language*, (1-52). New York: Academic Press.
- Jefferson, G. (1988), “On stepwise transition from talk about a trouble to inappropriately positioned matters”. In Atkinson J. M. & Heritage J. (eds.) *Structures of social action: studies in conversation analysis*. Cambridge and New York: Cambridge University Press, 191-222.
- Kiesler, S., Siegel J., McGuire T. W. (1984), “Social psychological aspects of computer-mediated communication”. *American Psychologist*. 39 (10), 1123-34.
- Konijn, E. A., Utz, S., Tanis, M., and Barnes, S. B. (2010), “Mediated interpersonal communication”. *Journal of Communication*. 60: 3.
- Lambiase, J. J. (2009), “Hanging by a Thread: Topic Development and Death in an Online Discussion of Breaking News”. *Language@Internet*. 7: 9.
- Lloyd-Williams, A. J. F. (2007), "Asynchronous and Synchronous Education in online Education". *Introduction to Environment for Learning Assignment*.
- Maynor, N. (1994), “The language of electronic mail: Written speech?” In G. Little & M. Montgomery (Eds.), *Centennial usage studies. American Dialect Society*. 78, 48-54.
- Park, A., Hartzler, A. L., Huh, J., Hsieh, G., McDonald, D. W., Pratt5, W. (2016), “How Did We Get Here?: Topic Drift in Online Health Discussions”. *J Med Internet Res*. 18:11.
- Placencia, M. E., Lower, A. (2013), “Your kids are stinking cute. Complimenting behaviour on Facebook among family and friends”. *Intercultural Pragmatics*. 10 (4): 617–646 <https://doi.org/10.1515/ip-2013-0029>
- Sacks, H. (1992), *Lectures on Conversation*. Volumes I and II. (G. Jefferson, ed.). Oxford, Uk, Cambridge, USA: Blackwell
- Stromer-Galley, J., Martinson, A. M. (2009), “Coherence in political computer-mediated communication: analyzing topic relevance and drift in chat”. *DISCOURSE & COMMUNICATION*. 3: 195.
- Tannen D., Trester A., M. (2013), *Discourse 2.0: Language and the New Media*. Washington: Georgetown University Press.
- Weger, H.J., Aakhus, M. (2003), “Arguing in Internet Chat Rooms: Argumentative Adaptations to Chat Room Design and Some Consequences for Public Deliberation at a Distance”. *Argumentation and Advocacy*. 40(2): 23–38.
- Yates, S. J. (1996), “Oral and written linguistic aspects of computer conferencing”. In S. C. Herring (Ed.), 29-46.
- Yus, F. (2010), *Cyber pragmatics: Internet-Mediated Communication in Context*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.